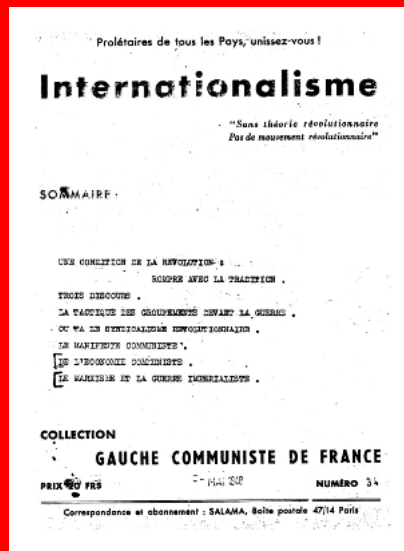


# لنین در مقام فیلسوف

## یا لنین در نقش یک انقلابی؟



جلد انترناسیونالیسم ارگان کمونیست چپ فرانسه در دهه ۱۹۴۰

## صدای انترناسیونالیستی

E-mail: [contact@internationalistvoice.org](mailto:contact@internationalistvoice.org)

Homepage: [www.internationalistvoice.org](http://www.internationalistvoice.org)

تلگرام: <https://t.me/intvoice>

از سال ۱۹۰۴ گرایشی از بلشویکها علاقمند مطالعه فلسفه طبیعت اروپای غربی شده بودند، فلسفه ای که توسط دیتزگن و بخصوص توسط ارنست ماخ توسعه یافته بود. این گرایش از بلشویکها مطالعه فلسفه طبیعت را به عنوان مبنایی جدید برای تفکر علمی با مارکسیسم اشتباه گرفته بودند و می خواستند «ماخیسم» [۱] را با مارکسیسم ادغام کنند، در واقع نوعی «ماخیسم» را در درون بلشویکها شکل داده بودند. نمایندگان اصلی این تفکر باگدانف، لوناچارسکی و بازارف بودند.

اینها بلشویکهای برجسته ای بودند و بخصوص باگدانف که از رفقای نزدیک لنین بود و از نفوذ زیادی در بین بلشویکها برخوردار بود. اگر چه انقلاب ۱۹۰۵ و ضرورت اتحاد، صفوف بلشویکها را متحدتر کرد، اما پس از آن این مباحث مجددا شعله ور شد. خطر انشعاب صفوف بلشویکها را تهدید میکرد. لنین معتقد بود انشعاب بر سر این مسئله احمقانه است. لنین برای مقابله با انشعاب در صفوف بلشویکها، در سال ۱۹۰۸ مطالعاتی را در رابطه ماتریالیسم و تجربه گرایی انجام داد و حاصل مطالعات در آوریل ۱۹۰۹ در روسیه در کتابی تحت عنوان ماتریالیسم و امپریوکریتیسیسم (امپریوکریتیسیسم یعنی نقادی تجربه گرایی) منتشر کرد. چکیده استدلال لنین در کتاب، در جلد با ماخیسم، تاکید بر تقدم ماده بر شعور و این که فهم بشری چیزی جز انعکاس جهان عینی نیست.

کتاب لنین در مقابله با «ماخیسم» در درون صفوف بلشویکها موفق آمیز بود. طرفداران این تفکر در مدت زمان بسیار کوتاهی اعتبار خود را از دست دادند و تنها ۲ ماه پس از انتشار کتاب نیز باگدانف از صفوف بلشویکها اخراج شد.

سالها بعد، آنتون پانه کوک کتاب «لنین در مقام فیلسوف» را به عنوان بررسی انتقادی مبانی فلسفی لنین درست قبل از آغاز جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۸ به زبان آلمانی منتشر کرد. [۲] از آنجائیکه پانه کوک نمی توانست کتاب را به نام خود منتشر کند، کتاب را با نام مستعار «جان هارپر» منتشر کرد. پانه کوک در کتاب خود لنین را متهم کرد که مارکسیسم را نفهمیده بود و درک او از ماتریالیسم در حد ماتریالیسم بورژوایی بود. پانه کوک از این نیز فراتر رفته و ادعا کرد که عقب ماندگی توسعه صنعتی در روسیه و وجود ده ها میلیون دهقان که خواهان زمین بودند، شرایط عینی برای انقلاب بورژوایی را مهیا کرده بود و انقلاب اکتبر یک انقلاب بورژوایی بود. پانه کوک همچنین ادعا کرد که بلشویکها و انقلاب روسیه نمی توانستند از مرحله انقلاب بورژوایی فراتر بروند و کتاب لنین در حد ماتریالیسم بورژوایی مناسب انقلاب بورژوایی روسیه بود و لنین چیزی از مبارزه طبقاتی پرولتاری درک نکرده بود.

انترناسیونالیسم ارگان کمونیست چپ فرانسه پس از فروکش کردن طوفان جنگ جهانی دوم در راستای دامن زدن به مباحث تئوریک، کتاب «لنین در مقام فیلسوف» را به زبان فرانسه ترجمه و در طول سال ۱۹۴۷ به شکل سلسله مقالات آنرا در ارگان خود منتشر کرد. انترناسیونالیسم در سال ۱۹۴۸ کتاب را مورد بحث و انتقاد قرار داد و نقد خود را از کتاب پانه کوک به شکل سلسله مقالات منتشر کرد. انترناسیونالیسم معتقد بود که اگر چه لنین در جدل با گرایشات ایده آلیستی نئو ماخیست (بوگدانف و طرفدارانش) در استدلالات خود ابهاماتی داشت یا در استدلالات خود به ماتریالیسم بورژوایی سقوط کرده بود اما نتیجه گیری های پانه کوک از استدلالات خود اشتباه، ایده آلیستی و همان نتیجه گیریهای منشویکها بود.

انترناسیونالیسم استدلال میکرد، رویکرد درست این است که نگرش کلی بلشویکها و لنین را بررسی کنیم نه فقط موضع فلسفی آنها را، آن هم در یک مورد مشخص. تا بینیم آیا آنها در فعالیت کلی خود و در عرصه عمل، در تزه های مارکس درباره فوئرباخ قرار گرفته اند یا خیر. انترناسیونالیسم تاکید میکرد به هیچ وجه تصادفی نیست که حتی یک کلمه در باره مبارزه با منشویسم، ایسکرای لنین، چه باید کرد؟، انقلاب ۱۹۰۵، مبارزه با جناحهای دست راستی سوسیال دمکراسی چه در جناح های دولتی و چه در جناح های مرگز گرا، موضع در مورد جنگ امپریالیستی، تزه های آوریل لنین، تمام قدرت به دست شوراها! و... در کتاب پانه کوک ذکر نشده است.

انترناسیونالیسم توضیح میدهد، زمانیکه تئوری باید به عمل منتقل شود، میتوان دید مارکسیستهای واقعی چه کسانی هستند. تمام شهرت و محبوبیت شخصیت های مهم جنبش سوسیالیستی در اواخر قرن نوزدهم، مانند قلعه ای در شن زار در مقابل گروه کوچک بلشویکها فروریخت، گروه کوچکی که در مخالفت با جنگ امپریالیستی در کنفرانس های زیمروالد و کینتال از انترناسیونالیسم انقلابی دفاع کرده بود، مبارزه علیه بورژوازی خودی را مطرح کرده بود، در حالی که آشکارا در نظر داشت که چنین مبارزه ای بخشی از یک جنبش بین المللی پرولتاریایی است که باید بتواند به مهمترین کشورهای سرمایه داری سرایت کند. گروه کوچکی که استدلال میکرد انترناسیونال دوم دیگر مفهوم خود را از دست داده است و اکنون بر عهده انترناسیونال سوم است که نیروهای پرولتاریا را برای یک حمله انقلابی علیه همه دولت های سرمایه داری، برای جنگ داخلی علیه بورژوازی در همه کشورها، برای پیروزی سوسیالیسم سازماندهی کند.

انترناسیونالیسم استدلال میکرد، پانه کوک در دیالکتیک خود ناتوان و مبتذل باقی میماند، چرا که هنگام مطالعه معرفت شناسی، خود را به تفاوت بین رویکرد بورژوایی و رویکرد سوسیالیستی محدود میکند و به روند تاریخی

که در آن ایده‌ها بوجود می‌آیند، توجهی نمیکند. انترناسیونالیسم استدلال میکرد که پانه کوک در دیالکتیک خودش گیر کرده است و قادر نیست به سوالات مهم پاسخ دهد:

- چگونه ممکن است انقلاب بورژوایی در حادثترین دوران بحران سرمایه داری یعنی بین سالهای ۱۹۱۴ تا ۱۹۲۰ و نه در دوران شکوفایی خود، ایدئولوژی انقلاب بورژوایی را تولید کند؟
- این چگونه انقلاب بورژوایی است که توسط برجسته‌ترین و آگاه‌ترین کارگران و سربازان روسیه هدایت می‌شد و از همه مهمتر همبستگی کارگران و سربازان کشور توسعه یافته سرمایه داری یعنی آلمان را به همراه داشت؟
- آیا کارگران تئوریهای لنین را پذیرفتند یا لنین بود که خود را با نیازهای مبارزه طبقاتی سازگار کرد؟ پانه کوک تضاد شگفت‌انگیزی را به ما ارائه میدهد پرولتاریا از یک جریان بورژوایی پیروی می‌کرد، یا جنبش طبقه کارگر یک ایدئولوژی بورژوایی را تولید می‌کرد.

انترناسیونالیسم توضیح میدهد، اینکه پانه کوک برای بورژوایی ارزیابی کردن انقلاب روسیه به استدلال‌های کلاسیک فرمیسیم بورژوایی، از منشویکها، از کائوتسکی چنگ می‌اندازد، نباید ما را شگفت زده سازد، چون او دیدگاه توسعه جهانی سرمایه داری را از دست داده و به انقلاب روسیه به عنوان یک پدیده مجزا نگاه میکند.

انترناسیونالیسم همچنین استدلال میکرد برای مارکسیستها، فلسفه را فقط میتوان بر اساس جنبش تاریخی، با درس گرفتن از چنین جنبشی، آن را توسعه داد. اما پانه کوک چکار میکند؟ پانه کوک با بیرون کشیدن فلسفه لنین از بستر تاریخی آن، در باره فلسفه لنین، فلسفه می‌بافد. او فقط چند نیمه حقیقت را بیان میکند. نیمه حقیقت هایش را در دوره ای تاریخی به کار می‌گیرد که ارزش بررسی ندارند و نشان میدهد که خود در تجربه گرایی گرفتار شده است. برای یک مارکسیست، پراتیک را نمیتوان از زمینه سیاسی آن جدا کرد که او را واقعا انقلابی میکند، یعنی از رشد تفکر و عمل انقلابی. لنین در توسعه تفکر سیاسی انقلابی عملی خود از آموزه‌های مارکس پیروی کرد، انترناسیونالیسم نتیجه می‌گیرد:

"بله، آقایان کائوتسکی و هارپر [پانه کوک]، ممکن است گاهی اوقات در نقدی کاملاً منفی از نظریه‌های فلسفی یا اقتصادی لنین و تروتسکی به هدف نائل شوید، اما این به هیچ وجه به این معنی نیست که به مواضع انقلابی رسیده‌اید. لنین و تروتسکی در مواضع سیاسی خود در مرحله تعیین کننده انقلاب روسیه، انقلابیون مارکسیست واقعی بودند."

انترناسیونالیسم ادامه می‌دهد:

"ما اصرار داریم که در تمام سطوح دانش - فلسفی، اقتصادی و سیاسی - بلشویک‌های ۱۹۱۷ از پیشرفته‌ترین انقلابیون جهان بودند و این بیشتر به دلیل حضور لنین و تروتسکی بود."

انترناسیونالیسم نشان می‌دهد، لنین به عنوان یک انقلابی وظیفه‌اش نه تفسیر جهان بلکه تغییر جهان بود. نقد عمیق، مفصل و مارکسیستی انترناسیونالیسم به کتاب «لنین در مقام فیلسوف» را بخوانید و خواندن آنرا به دیگران توصیه کنید. نقد انترناسیونالیسم را میتوان از صدای انترناسیونالیستی سفارش داد.

فیروز اکبری

۲۲ تیر ۱۴۰۱

یادداشتها:

[۱] ارنست ماخ فیلسوف و فیزیکدان برجسته اتریشی بود و اعتقاد داشت در علم تنها باید از واژگانی استفاده شود که به صورت تجربی قابل مشاهده هستند.

[۲] مواضع بعدی آنتون پانه کوک، از حقانیت مواضع او در جریان موج انقلاب جهانی ۱۹۲۳ - ۱۹۱۷ نمی‌کاهد. بخصوص مواضع مطرح شده در کتاب «انقلاب جهانی و تاکتیک کمونیستی» که در آن انقلاب روسیه را بخشی از انقلاب جهانی کمونیستی ارزیابی میکند. او همچنین برخلاف نظرات ضد حزبی بعدی خود، در مقطع موج انقلاب جهانی در شکل‌گیری احزاب کمونیست نقش مهمی ایفاء کرد.